فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و پنجم. پاییز ۱۳۹۷، صص۱۱۳-۹۷ Vol 3. No 25. 2018, p 97-113
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

محیط زیست، چالش سیاسی– حقوقی

علیرضا عنابی[۱]. محمود جلالی[۲]
۱. دانشجوی دکتری حقوق بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان، خوراسکان، ایران
۲. عضو هئیت علمی دانشگاه اصفهان، ایران

چکیده

از منظر تعدادی از متخصصان محیط زیست، آسیب‌ها و عارض‌های زیست محیطی به آستانه فاجعه و به مخاطره افتادن بقاء و حیات خود انسان رسیده است. نابودی گونه‌های متعدد گیاهی و جانوری دیگر غیرقابل جبران شده است. با این همه مهار و چاره‌اندیشی اساسی در این خصوص با چالش‌های جدی حقوقی و سیاسی مواجه است در حوزه حقوقی باید گفت با اینکه در نیم قرن اخیر معاهدات و کنوانسیون‌های متعدد بین‌المللی و منطقه‌ای در رابطه با مسائل زیست محیطی میان کشورها و در نهادهای بین‌المللی تدوین و تصویب شده است ولی در مرحله اجرا چندان پیشرفتی نداشته و جامعه بین‌المللی نیز توان تحمیل اراده خود بر کشورها را در این خصوص ندارد. کنوانسیون‌های استکهلم، ریو و ریو+۲۰ در این خصوص دستاوردهای متعددی را داشته‌اند ولی دیوار آهنین استقلال، حاکمیت ملی، منافع و مصالح کشوری مانع از اجرایی شدن آن مصوبات گشته است هرچند که حقوق‌دانان در این راستا توصیه‌هایی چون به کارگیری سیاست‌های تشویقی، حمایتی و بعضاً تنبیهی را نموده‌اند ولی این توصیه‌ها نیز در خصوص قدرت‌های بزرگ که سهم قابل توجهی در پیش آمدن معضلات زیست محیطی دارند چندان کارگر نیست.

واژه‌های کلیدی: محیط‌زیست، چالش‌حقوقی، چالش سیاسی، جامعه بین‌المللی، کنفرانس استکهلم، کنفرانس ریو

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

مقدمه

در میان میلیاردها سیاره‌ی موجود در آسمان بیکران تنها یک گوی آبی به نام زمین پس از چند میلیارد سال تحول و دگردیسی، بستر خود را برای زیست موجودات زنده مهیا و گاهواره تمدن و تعالی بشر گشته و خوان نعمتش را بر همگان گسترده است.

ادیم زمین سفره‌ی عام اوست

بر این خوان یغما چه دشمن چه دوست

کره زمین یکی بیش نیست و بدیلی هم ندارد و حیات و بقاء تمام موجودات ذی وجود از جمله انسان به آن وابسته است در حالی که زمین خود هیچ نیازی به این موجودات ندارد. با این همه انسان قدردان نبوده و در قبال زیست بوم خود چندان احساس مسئولیت نمی‌کند. لذا در چند دهه اخیر فاجعه تخریب و نابودی محیط زیست به چالش جدی در فرا روی انسان تبدیل شده است. چالشی که اگر دیر بجنبد، دیگر قابل جبران نخواهد بود. انقراض گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری، بالا رفتن دمای زمین، تخریب جنگل‌ها و مراتع، خشکسالی‌ها، کویرزایی‌ها و انواع آلودگی‌های جوی، صوتی، آبی و خاکی از معضلات جدی زیست محیطی بشر محسوب می‌شود که عنقریب بقای خود انسان را نیز تهدید می‌کند. فاجعه گسیخته شدن رشته حیات موجودات و شیوع بحران انهدام تدریجی کره خاکی، سبب نگرانی و دلهره مردم جهان شده است. انجمن‌ها و گروه‌های خصوصی و عمومی و نیز گروه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی متعددی در سراسر جهان شکل گرفته تا موضوع مخاطرات ناشی از فجایع پیش گفته را بررسی و راهکارهای مناسبی را برای مهار و پیشگیری معضلات مذکور اتخاذ نمایند. (می. ری، ۱۳۸۱: ۲۴)

اندیشمندان بر این باورند که آسیب‌های خاص محیط زیستی ممکن است حتی صلح و امنیت جهانی را نیز با خطر جدی مواجه بکند لذا تعلّل و سستی در این خصوص ممکن است فاجعه جنگ را نیز بر گرده‌ی انسان تحمیل بنماید. (موسوی، ۱۳۸۰: ۱۳)

به نظر می‌رسد که، گسترش روزافزون تخریب محیط زیست، ریشه در تحول شکل و محتوای جوامع انسانی در قرون جدید و گسترش رویکردهای مبتنی بر عقل ابزاری بر شدت سلطه انسان بر طبیعت افزود. در بعد علمی، انقلاب صنعتی که از درون ساختارهای فکری انسان محوری برخاست، یک تحول دوسویه را آغاز نمود از یک سو، موجب تسریع در روند توسعه و پیشرفت و تمدن‌سازی گردید ولی از دیگر سو روند تخریب و نابودی محیط زیست را نیز دامن زد. البته در این راستا، افزایش جمعیت و تغییر شکل الگوی مصرف و نحوه زیست جمعی، تخریب محیط زیست را مضاف نمود. انقلاب صنعتی که برآیند سلطه دولت‌ها بر طبیعت و منابع آن بود دولت‌ها را در این دوره و پس از آن به شدت، عقل‌گرا و سود بنیان نمود. آموزه‌های فلسفی این دوره یعنی اصالت علم، اصالت عقل، اصالت سود و سپس اصالت فرد و اصالت مصرف، فرآیند سلطه دولت بر منابع طبیعی و تخریب محیط زیست را در قرون بعد تشدید نمود (مشهدی، ۱۳۹۳: ۱۸-۱۷) علیرغم دست‌آوردهای بی‌شمار تکنولوژی برای دولت‌ها و جوامع انسانی، این

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

پدیده در برخی حوزه‌ها به ضد خود تبدیل شد. به این معنا که گسترش صنایع موجب هجوم روزافزون بشر به منابع سطح‌الارضی و تحت‌الارضی گردید. بهره‌برداری‌های بی‌رویه و بدون نظارت و کنترل حساب شده موجب تخریب‌ها و ویرانی‌های برگشت‌ناپذیر در محیط زیست گردید. مصرف روزافزون منابع تجدیدناپذیر انرژی چون نفت، گاز و زغال سنگ، قطع بدون برنامه درختان جنگل‌ها، آب شدن یخ‌های قطبی، افزایش گرمایش زمین، تخریب لایه‌ی ازن و ده‌ها معضل دیگر، همه محصول گسترش غول‌آسای تکنولوژی مدرن هستند که حیات کره زمین را در آستانه تهدید جدی قرار داده است. افزایش سریع جمعیت کره زمین به نوبه خود منجر به تهی‌سازی بیش از پیش منابع گردید و این امر به نوبه خود بر کیفیت محیط زیست انسانی و طبیعی تأثیر نهاد. الگوهای مصرف بی‌رویه و ایجاد نیازهای کاذب نیز به نوبه خود نابودی منابع و تخریب محیط زیست را به همراه داشته است. (فهیمی، ۱۳۹۱: ۱۲۲)

ناگفته پیداست که بحران محیط زیست و روند فزاینده رو به نابودی آن، موضوعی چند وجهی و با لایه‌های متعدد حقوقی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و جامعه‌شناختی و امثال آن می‌باشد. پس برای مهار این معضلات و راه برون رفت از این بحران نیز یک اقدام فراملی چند وجهی را می‌طلبد به نظر می‌رسد که از میان وجوه مزبور، دو وجه حقوقی و سیاسی آن از برجستگی و اهمیت بیشتری برخوردار است. یعنی از یک طرف ضرورت دارد که مقررات و قوانینی جامع و با ضمانت اجرایی موثر و الزام‌آور و با پاسخ‌های کیفری در مجامع و مراجع ملی و جهانی تدوین و تصویب شده و به اجرا درآید از طرف دیگر برای وصول به اهداف زیست محیطی و تضمین بقای آن، همکاری و هماهنگی کشورها به عنوان بازیگران اصلی عرصه‌ی جهانی ضروری است. تکیه بر اصل حاکمیت ملی و منافع و مصالح کشوری، اصل همکاری و هم‌سویی دولت‌ها را در مهار معضلات زیست محیطی دچار رخوت و رکود نموده است. در این مقاله، سعی بر آن است که این دو وجه یعنی وجه حقوقی و وجه سیاسی تأثیرگذار در به سامان درآوردن معضلات زیست محیطی مورد تحقیق و تأمل قرار می‌گیرد.

گفتار اول: تعریف و مفهوم محیط زیست

محیط زیست[1]دست کم به معنای امروزی آن در بسیاری از زبان‌ها یک اصطلاح نو و تازه است به فرض سابقه کاربرد آن در فرانسه به قرن دوازدهم میلادی برمی‌گردد. این اصطلاح از آغاز دهه ۱۹۶۰ کاربرد پیوسته پیدا کرده است در دیگر زبان‌ها هم، کلمات جدیدی در خلال همین دهه به منظور رساندن مفهوم فوق مورد استفاده واقع شده است. **(Brown, 2014: 675)**

اصطلاح «محیط زیست» را می‌توان به یک منطقهٔ محدود یا تمام یک سیاره و حتی به فضای خارجی که آن را احاطه کرده اطلاق کرد. اصطلاح «بیوسفر»[2]یا لایه حیاتی که یونسکو[3]خصوصاً آن را به کار می‌برد

1. Environment
2. Biosphere
3. UNESCO

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

با یکی از وسیع‌ترین تعاریف مطابقت دارد و آن عبارت است از: محیط زندگی بشر یا آن بخش از جهان که بنا به دانش کنونی بشر همه‌ی حیات در آن استمرار دارد. (یونسکو، ۱۹۸۸: ۱۲۴) در حقیقت بیوسفر یا لایه حیاتی، همان لایه و قشر نازکی است که این کره خاکی را در میان گرفته است. بیوسفر شامل زمین و هزاران متر بالا و عمق زمین و اقیانوس‌ها. (کیس، ۱۳۸۴: ۵) در اسناد بین‌المللی، تعاریف متعددی از محیط زیست ارائه شده است از آن جمله، متن حقوقی مصوب شورای جامعه اقتصادی اروپا، در تاریخ ۲۷ ژوئن ۱۹۶۷، در تعریف محیط زیست چنین می‌گوید: «محیط زیست شامل: آب، هوا، خاک و عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده می‌گردد». **(Sands, 1995: 11-13)**

یک حقوق‌دان هندی در تفسیر ماده **۴۸A** قانون حفاظت محیط زیست هندوستان از واژه‌ی محیط زیست، چنین تعریف می‌کند: «محیط زیست شامل مجموعه‌ای از به هم پیوستگی عوامل بیرونی است که رشد و حیات موجودات زنده انسانی و جانوری و گیاهی متأثر از آن است، می‌گردد». **(Ibid: 318)**

مقدمه بیانیه کنفرانس سازمان ملل متحد درباره‌ی محیط زیست انسان در سال ۱۹۷۲ در استکهلم، به دولت‌ها چنین اعلام می‌کند: انسان مخلوق و شکل دهنده محیط زیست خود است. محیطی که به وی بقای فیزیکی، فرصت رشد معنوی (اخلاقی، اجتماعی و روحی) عطا می‌کند. اشاره به انسان شکل دهنده‌ی محیط زیست خود، به این معنی است که محیط زیستی که به دست انسان ساخته شده نیز، باید مورد توجه قرار بگیرد، به گونه‌ای که آن را باید بخشی یا دست کم جزء اصلی محیط طبیعی به حساب آورد. ماده یک قانون حفاظت محیط زیست انگلستان مصوب ۱۹۹۰ نیز در تعریف محیط زیست چنین می‌گوید: محیط زیست شامل همه یا بخشی از عناصر تشکیل دهنده‌ی محیط طبیعی اعم از آب، هوا، خاک چه در سطح و چه در عمق، در حالت طبیعی یا محیط انسان ساخته، می‌باشد. همچنین ماده ۲ کنوانسیون مسئولیت مدنی خسارات ناشی از اعمال خطرناک در محیط زیست مصوب ۱۹۹۳ لوگانو[1] در تعریف محیط زیست چنین اشعار می‌دارد: «محیط زیست شامل بخش‌های زیر می‌شود:

- منابع طبیعی اعم از تجدیدپذیر و غیرقابل تجدید مانند، هوا، آب، خاک و کلیه جانوران و گیاهان و تأثیر متقابل این عوامل بر یکدیگر؛
- اموال و دارایی‌هایی که جزء میراث فرهنگی می‌باشند؛
- و مناظر و چشم‌اندازهای ویژه؛

از این روی، محیط زیست ساخت دست بشر شامل، بناها، آثار تاریخی، ساختمان‌های گوناگون و یا مناظر و چشم‌اندازهای ویژه به عنوان بخشی از محیط زیست، باید در برابر خرابی حراست شوند. **(Kiss, 2013: 423)**

دست آخر اینکه در تعریف دیگری از محیط زیست آمده است: «محیط زیست عبارت است از محیطی که فرآیند حیات را فرا گرفته و با آن برهم کنش دارد. محیط زیست، از طبیعت جوامع انسانی و نیز فضاهایی

1. Lugano

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

که با فکر و به دست انسان ساخته شده‌اند، تشکیل یافته است و کل فضای زیستی کره زمین، یعنی زیست کره (بیوسفر) را فرا می‌گیرد.» (بهرام سلطانی، ۱۳۷۱: ۱)

مسلم است که تعریف از محیط زیست بر چشم‌انداز چالش‌های سیاسی و حقوقی کنش‌گران داخلی و بین‌المللی در خصوص حمایت از مولفه‌های زیست محیطی تأثیر می‌گذارد. چرا که در واقع تدابیر سیاسی و حقوقی اتخاذ شده از سوی تصمیم‌سازان و قانونگذاران ملی و بین‌المللی تحت تأثیر تعریف و فهم و برداشت آنان از عبارت «محیط زیست» انجام می‌گیرد و این تدابیر در واقع تنظیم کننده رفتار بشر در قبال عوامل و عناصر زیست محیطی و مهار بحران‌ها و عارضه‌های مرتبط با مولفه‌های مزبور خواهد بود.

گفتار دوم: چالش‌های حقوقی زیست محیطی

هم اینکه مصلحان و مسئولان دولتی و همچنین افکار عمومی در گستره‌ی جهانی در چند دهه اخیر متوجه عمق بحران‌ها و فجایع زیست محیطی گردید به فکر چاره‌اندیشی‌های عاجل و مؤثر افتاد از جمله اقدامات انجام گرفته در این خصوص تدوین و تصویب مقررات و قواعد حقوقی الزام‌آور برای مهار معضلات زیست محیطی و بهبود وضعیت حاکم بر زیست بوم می‌باشد که در حوزه‌های جغرافیایی ملی، منطقه‌ای و جهانی انجام گرفته است. **(Werksman, 1996: 55-56)**

آغاز تمایل به سوی مقررات محیط زیست و توسعه‌ی این رشته حقوق به سرآغاز «دوران اکولوژی» یعنی دهه ۱۹۷۰ برمی‌گردد که در جهت کاهش آلودگی و جلوگیری از انقراض نسل جانوران وحشی و گیاهان در سطح جهان انجام گرفت. در دهه ۱۹۸۰ علاقه‌مندی راجع به تأثیر قواعد حقوقی برای حمایت از محیط زیست افزایش یافت و به آهستگی و بی‌وقفه از سوی مراجع قانونگذاری کوشش‌های لازم به عمل آمده و علاقه‌مندی‌ها و فعالیت‌ها از طریق نهادهای بین‌المللی همچنان ادامه دارد و در این مدت نیم قرن مسیر تاریخی زیر را داشته است.

الف. اسناد نخستین

چندین سند موجود را که ملهم از نظرگاه‌های اکولوژیکی است را می‌توان نیای مفاهیم امروزین محیط زیست به حساب آورد. اولی کنوانسیون ۱۹۳۳ لندن راجع به حفاظت از جانوران و گیاهان در حالت‌های طبیعی قابل اجرا در آفریقای دوران استعمار می‌باشد که موجب احداث پارک‌های طبیعی و حفاظت دقیق از نسل برخی از انواع حیوانات وحشی می‌گردد. سند دوم کنوانسیون ۱۹۴۰ واشنگتن راجع به حفاظت طبیعت و حیات وحش در نیمکره غربی است که احداث قرقگاه‌ها و حفاظت از حیوانات وحشی و نباتات و به ویژه پرندگان را مدنظر قرار می‌دهد.

همچنین در بین دو جنگ جهانی، آلودگی برخی از رودخانه‌ها و دریاچه‌ها با ذکر علت آلودگی در معاهدات در خصوص قابل انتقال بودن آلودگی از مرز کشورها آمده است. این کوشش‌ها پس از جنگ

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

جهانی دوم بیشتر در اروپا استمرار یافت در نتیجه مأموریت‌های بین‌المللی در رابطه با رودخانه‌های موزال، راین، دریاچه کنستنس، دریاچه لمن به منظور کنترل آلودگی آب‌های آن‌ها به وجود آمد. (رابینسون، ۱۳۹۰: ۱۷۱)

در نتیجه این کوشش‌ها، مبارزه با آلودگی دریاها در طول دهه ۱۹۵۰ پدید آمد. کنوانسیون لندن در سال ۱۹۵۴ راجع به حفاظت دریاها از آلودگی نفتی نخستین گام آزمایشی در این راستا به حساب می‌آید. فن‌آوری جدید در خصوص نحوه‌ی بهره‌برداری از انرژی هسته‌ای منجر به مقررات بین‌المللی بیشتری شد. معاهده‌ی ۱۹۶۳ مسکو مبنی بر ممنوعیت آزمایش سلاح‌های هسته‌ای در جو، ماورای جو و زیر آب از آن نمونه است.

معاهده‌ی دیگر در این خصوص، معاهده‌ی قطب جنوب در سال ۱۹۵۹ می‌باشد که به موجب آن همه‌ی فعالیت‌های هسته‌ای در ششمین قاره جهان منع می‌گردد و اقدامات حفاظتی‌ای در خصوص جانوران و گیاهان در این قاره مورد قبول واقع می‌شود. معاهده دیگر در سال ۱۹۶۷ راجع به فضای ماورای جو، اصول حاکم بر فعالیت کشورها را در زمینه‌ی اکتشاف و بهره‌برداری از فضای ماورای جو از جمله ماه و سایر اجرام آسمانی اعلام می‌کند و می‌گوید: دولت‌ها باید از آلودگی زیان‌آوری که موجبات تأثیر بر کره‌ی زمین را فراهم می‌کند یا از تولید موادی که به زمین صدمه می‌زند، اجتناب کنند. **(Brown, 2014: 117-119)**.

همچنین در سال ۱۹۶۸ دو سند اصولی را شورای اروپا در خصوص کنترل آلودگی آب و هوا تصویب کرد و نیز سازمان وحدت آفریقا کنوانسیونی به حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی و بهره‌برداری از منابع آب، خاک، نباتات و جانوران طرح کرد و سرانجام مجمع عمومی سازمان ملل متحد پیشنهاد دعوت به تشکیل کنوانسیون جهانی درباره محیط زیست انسان را تصویب نمود.

ب. کنفرانس استکهلم

این کنفرانس جهانی به ابتکار سازمان ملل متحد از تاریخ ۵ تا ۱۱ ژوئن ۱۹۷۲ در استکهلم تشکیل شد و بزرگترین کنفرانس بین‌المللی است که تا این تاریخ تشکیل شده بود و در آن بیش از ۶۰۰۰ نفر به نمایندگی از ۱۱۳ کشور و نزدیک به همین تعداد، نمایندگانی از سازمان‌های بین‌المللی و ۷۰۰ نفر ناظر اعزامی از ۴۰۰ سازمان بین‌المللی غیردولتی شرکت داشتند. در این کنفرانس اعلامیه محیط زیست بشر در ۲۶ اصل که در حقیقت راهنمای عملی در طول دو دهه در سراسر جهان به شمار می‌آید به تصویب رسید. (کیس، ۱۳۸۴: ۲۶)

علاوه بر صدور اعلامیه، از نتایج مهم دیگر این کنفرانس، تهیه طرح عملیاتی محیط زیست در ۱۰۹ توصیه‌نامه در موضوعات مختلف در حوزه زیست محیطی است، یعنی برای آینده محیط زیست سراسر جهان خط‌مشی‌ای لازم تدارک دیده است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

این کنفرانس همچنین توصیه کرد که یک ارگان عمومی جهت پشتیبانی موضوعات زیست محیطی به وجود آید که مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۲ با تأسیس یک رکن کمکی جدید به نام برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد[1] موافقت نمود.

در نتیجه کنفرانس استکهلم، یونپ و صندوق محیط زیست در جهت تقویت و پشتیبانی اعمال اجرایی و مساعدت به عملیات دیگر موسسات بین‌المللی به وجود آمدند. از طرف دیگر آژانس‌های ویژه‌ی سازمان ملل متحد مثل سازمان‌های خواروبار و کشاورزی، بهداشت جهانی و یونسکو و از سوی دیگر سازمان‌های منطقه‌ای (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، سازمان کشورهای آمریکایی، سازمان وحدت آفریقا و غیره) پدید آمدند. (بوتکین، ۱۳۸۲: ۱۶۷)

بعد از کنفرانس استکهلم روند توسعه حقوق محیط زیست، در مرحله نخست موارد معینی از موضوعات محیط زیست را طرح می‌کند و اسنادی با برد بین‌المللی مورد تصویب قرار می‌گیرد که این موضوعات عبارتند از: اقیانوس‌ها، آب‌های زیرزمینی، هوا، خاک و حیات وحش و به همین ترتیب این روند توسعه در قلمرو قانونگذاری داخلی در بیشتر کشورها تسرّی می‌یابد؛ مقررات خاصی هم از مسائل باقی مانده محیط زیست در مرتبه بالاتری در یک قالب کلی‌تر وضع می‌شود. **(Caron, 1999:26-29)**

از جملهٔ این مقررات می‌توان به منشور جهانی طبیعت مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۸ اکتبر ۱۹۸۲، کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به حقوق دریاها مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۲ در مونتگویی جامائیکا و کنوانسیون ساختاری سازمان ملل متحد درباره‌ی تغییرات آب و هوا مصوب سال ۱۹۹۲ اشاره نمود. اسناد مزبور، ابزار مهمی در جهانی کردن مقررات محیط زیست بودند و لذا گام جدیدی در تحول حقوق محیط زیست بین‌الملل به حساب می‌آیند. (گوندلینگ، ۱۳۹۲: ۱۴۷)

ج. کنفرانس ریو

مبداء اصلی کنفرانس جهانی محیط زیست و توسعه، به گزارش برونت‌لند برمی‌گردد که مجمع عمومی سازمان ملل متحد آن را تصویب می‌کند و براساس آن تصمیم می‌گیرد که در سال ۱۹۹۲ کشورهای جهان را به یک کنفرانس جهانی به نام محیط زیست و توسعه دعوت نماید. قبل از انجام آن، بنا به مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، کمیته مقدماتی با شرکت اعضای ملل متحد شامل هیأت‌های نمایندگی از دولت‌ها و به خصوص کارشناسان رشته‌های مختلف تشکیل می‌گردد. کمیته‌ی مقدماتی در سه نشست بین سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۲ مشکلات را بررسی نمود و جلسه‌ی نهایی کمیته به دور از مذاکرات رسمی تشکیل می‌شود. (رابینسون، ۱۳۹۰: ۱۷۲)

دعوت شدگان به این کنفرانس، عبارت بودند از ۱۷۲ دولت و شش سازمان بین‌الدولی وابسته به سازمان ملل متحد که اکثراً در این کنفرانس حاضر می‌شوند و حدود ۱۰۰۰۰ نفر شرکت کننده شامل ۱۱۶ نفر از

---

1. United Nations Environment Program (UNEP)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

سران دولت‌ها به همراه نمایندگان دولت‌ها که در این میان دولت ژاپن بیش از سیصد نفر را به نمایندگی از سوی دولت خود اعزام کرده بود، یک هزار و چهارصد نفر از سازمان‌های غیردولتی معتبر و به علاوه حدود نه هزار نفر روزنامه‌نگار از سراسر جهان در این کنفرانس حضور یافتند. (پالمرتز، ۱۳۸۸: ۲۴)

در این کنفرانس پنج سند صادر شد که عبارتند از: کنوانسیون سازمان ملل متحد راجع به تغییرات آب و هوا، کنوانسیون تنوع گونه‌های زیستی، اعلامیه غیرتعهدآور مدیریت حفاظت و توسعه پایدار برای انواع گونه‌های جنگل‌های جهانی، اعلامیه محیط زیست و توسعه و یک برنامه عملی معروف به دستور کار ۲۱. (همان: ۲۱)

به طور کلی اسناد ریو به عنوان اسناد نمونه تصویبی در چارچوب منطقه‌ای چه قبل و چه بعد از آن در ارتباط با حفاظت محیط زیست و توسعه اقتصادی در مفهوم توسعه پایدار را می‌پذیرد و همه جزئیات هدف‌های توسعه پایدار را در طرح‌های عملی شرکت می‌دهد.

تحت تأثیر مصوبات و اعلامیه‌های کنفرانس ریو، چالش‌های حقوقی در خصوص حفاظت از محیط زیست و مهار معضلات و آسیب‌های مرتبط با آن، رشد فزاینده‌ای یافته و موجب تدوین و تصویب کنوانسیون‌ها و اسناد متعددی گردید که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- در سال ۱۹۹۲ پیمان حمایت از تأسیس اتحادیه جنوب آفریقا برای توسعه.

۲- در سال ۱۹۹۳ موافقت‌نامه آمریکای شمالی به عنوان منطقه آزاد تجاری.

۳- در سال ۱۹۹۴ موافقت‌نامه تولید چوب جنگل‌های مناطق استوایی.

۴- در سال ۱۹۹۴ منشور انرژی منطقه اروپا.

۵- در سال ۱۹۹۱ پیمان قطب جنوب (پروتکل مادرید).

۶- در سال ۱۹۹۱ کنوانسیون سالزبورگ و پروتکل ۱۹۹۴ چامبری در خصوص حفاظت منطقه آلپ.

۷- در سال ۱۹۹۶ پیمان منطقه قطب شمال.

این قبیل اسناد همچنان رو به افزایش است و در آن‌ها نقش قطعی اقتصاد به عنوان بازیگر و عامل اصلی در حفاظت محیط زیست مورد شناسایی قرار می‌گیرد. (موسوی، ۱۳۸۰: ۱۶۹)

د. کنفرانس ریو +۲۰

حاصل هم‌اندیشی ریو ۱۹۹۲، تدوین الگوی توسعه محیط زیست در قرن بیست و یکم تحت عنوان دستور کار ۲۱ بود. بیست سال پس از تشکیل ریو که توجه جهانیان را به مشکلات فزاینده زیست محیطی معطوف کرد جامعه جهانی بار دیگر در بیستم الی بیست و دوم ژوئن ۲۰۱۲ در ریودوژانیرو گرد هم آمدند تا دستاوردهای بیست ساله کنفرانس ریو را بررسی بکنند. کنفرانس ریو +۲۰ ضمن تأکید بر تعهدات پذیرفته شده در کنفرانس ریو که به دستور کار ۲۱ مرسوم است، کوشیده است نوع جدیدی از تعاملات را مطرح نماید که در آن موضوع کسب و کار، دولت‌ها و جامعه مدنی رئوس اصلی برنامه‌های دست‌یابی به جهانی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

پایدارتر را تشکیل می‌دهد. موضوع «اقتصاد سبز برای کاهش فقر»[6] به عنوان موضوع اصلی در دستور کار ریو +۲۰ قرار گرفت. از دستاوردهای دیگر کنفرانس ریو+ ۲۰، تصویب منشور جامع توسعه پایدار در شش فصل و ۳۸۲ بند است. حاصل این مباحثات مبنای مذاکراتی شد که در مقر ملل متحد در نیویورک دنبال گردید و در نهایت موجب تدوین سندی تحت عنوان «آینده‌ای که ما می‌خواهیم»[7] در دهم ژانویه ۲۰۱۲ شد. این سند مبنای تصمیمات اتخاذ شده در کنفرانس ریو+ ۲۰ قرار گرفت و اعلامیه نهایی کنفرانس مزبور بر آن اساس تدوین گردید. سند نهایی کنفرانس ریو + ۲۰ ضمن تجدید تعهدات سیاسی و تأکید بر اصول ریو و برنامه‌های عملی قبلی مربوط به محیط زیست و توسعه پایدار موضوع اقتصاد سبز را مطرح می‌کند.

برخی از موارد رضایت بخش این کنفرانس را می‌توان چنین خلاصه کرد:

تدوین نقشه راه برای تعیین اهداف توسعه پایدار در سال ۲۰۱۵؛

تقویت برنامه ملل متحد برای محیط زیست؛

طرح موضوع اقتصاد سبز و تأکید مجدد بر فقر زدایی.

سند نهایی کنفرانس ریو + ۲۰ یعنی «آینده‌ای که ما می‌خواهیم»، الزام آورنیست و تنها دولت‌ها را تشویق و ترغیب می‌کند تا با بکارگیری مفاد این سند بتوانند ابعاد سه گانه توسعه پایدار (اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی) آن را محقق کند. دست یابی به این اهداف، منوط به اراده دولت‌هاست، به طوری که در حقوق داخلی خود، بستر مناسبی جهت تحقق توسعهٔ پایدار را مهیا سازند. **(Basler, 1998: 173)**

گفتار سوم: چالش‌های اجرائی حقوق بین‌المللی محیط زیست

اجرایی کردن اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط با محیط زیست متضمن آن است، که این مصوبات ضمانت اجرایی داشته باشند مسلم است که اجرائی نمودن این مصوبات چندان هم آسان نیست چرا که جامعه‌ی بین‌المللی نه از قوه مجریه برخوردار است و نه پلیس اداری دارد و نه از حق قضاوت اجرایی برخوردار است لذا در این راستا از ابزارهایی چون ترغیب کردن دولت‌ها، بهره گرفتن از فشار افکار عمومی، کمک و انگیزه‌های مالی مثل طرح‌های تشویقی معافیت‌های مالیاتی و برطرف کردن موانع در حقوق داخلی استفاده می‌شود. (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۸۵: ۱۴) در این راستا سه مکانیسم زیر مورد توصیه حقوق‌دانان است:

الف- پذیرش قواعد مناسب و فراهم کردن روش‌های مذاکره در چارچوب یک معاهده

اغلب متخصصین روابط بین‌الملل، به حق روی اهمیت و اعتبار مذاکره جهت نظارت براساس پیمان پافشاری می‌کنند. به عبارت دیگر برای اینکه اسناد و کنوانسیون‌های زیست محیطی به راحتی مورد پذیرش

1. Green economy for poverty eradication
2. The future we want

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

طرف‌های قرارداد واقع بشود بایستی امتیازاتی برای آنان قایل شد، به ویژه کشورهای در حال توسعه بهتر می‌توانند معاهدات زیست محیطی را اجرا کنند وقتی که این وظیفه به وسیله‌ی منابع مالی پروژه، ظرفیت ساخت، انتقال فن‌آوری یا روش‌های ویژه آسان گردد. تمامی کنوانسیون‌های جهانی محیط زیست که پس از پایان دهه ۱۹۸۰ تصویب شده‌اند مانند کنوانسیون ۱۹۸۹ بازل در خصوص کنترل و انتقال برون مرزی دفع مواد زائد جامعه و مصرف آن‌ها (ماده ۱۰ بند ۲) و پروتکل منترال سال ۱۹۸۷ در مورد مواد کاهنده لایه اُزن که در سال ۱۹۹۲ اصلاح شده است و هم چنین کنوانسیون ساختاری سازمان ملل متحد مصوب ۱۹۹۲ در رابطه با تغییرات آب و هوای جهانی (در ماده ۴ بندهای ۳ و ۵ و ۷ و ۱۰ و ماده ۱۱) و کنوانسیون ۱۹۹۲ تنوع گونه‌های زیستی (در مواد ۱۶ و ۲۰ و ۲۱) از انتقال فن‌آوری و مساعدت‌های مالی حمایت می‌کنند (گوندلینگ، ۱۳۹۲: ۲۲۰-۲۱۸)

ب- مکانیزم‌هایی برای تقویت اجرای مقررات داخلی

مشکل بزرگی که در مقام اجرای معاهدات زیست محیطی ممکن است رخ نماید به واسطه عدم توانایی نظام حقوق داخلی در قبول قواعد تنظیمی در سطح بین‌المللی است که به علت عدم هم سطح بودن حقوق ملی، در اجرای درست و کامل آن مقررات با مانع اصلی روبه‌رو می‌شود و در موقع اجرا رعایت کامل معاهده زیست محیطی بر طبق شروط مورد نظر مشکل‌تر می‌شود. البته با اینکه اقدامات بین‌المللی نمی‌تواند تشکیلات ملی را تغییر دهد، امّا می‌تواند آن‌ها را به طور مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر قرار دهد. آگاه کردن عموم و دولت از مسائل زیست محیطی می‌تواند به تغییر و کاربرد شروط اساسی به عنوان روش سازگار با الزامات پذیرفته شده بین‌المللی کمک کند. (رابینسون، ۱۳۹۰: ۱۲۸)

مسأله دیگر مربوط به هیأت اجرایی ملی است که ممکن است به قدر کافی از قواعد حقوق بین‌المللی محیط زیست و چگونگی اجرای آن آگاهی نداشته باشد. در اینجا بار دیگر ساخت اجتماعی و سطح آگاهی جامعه مذکور می‌تواند در حل چنین مشکلاتی کمک کند. همکاری و مساعدت اعضای بین‌المللی یا سازمان‌های غیردولتی خارج بیشتر می‌تواند اوضاع را در کشورهای معین بهبود بخشد. (همان: ۱۳۲)

همچنین اصلاح در مقررات داخلی، اجرای قواعد بین‌المللی را فراهم خواهند نمود. اشخاص و سازمان‌های غیردولتی می‌توانند با طرح شکایت در دادگاه‌ها به طرفیت مقامات اجرایی مبنی بر عدم قبول یک الزام بین‌المللی به وسیله آن دولت نقش قابل توجهی را بازی کنند و این امر دلالت بر این دارد که اشخاص به عنوان ذینفع حق آگاهی دارند. پس صلاحیت قانونی دارند که در دادگاه‌ها اقامه دعوی (حق حضور در دادگاه و دفاع از نظرات خود) نمایند و بدین وسیله اجرای این هر دو حق برای مواردی که قواعد بین‌المللی در حقوق داخلی بی‌اساس شمرده می‌شوند. یا از سوی مقامات اجرایی مورد تجاوز قرار می‌گیرند، تضمین شوند. حتی اگر این قبیل مشکلات حل و فصل شده باشند، باز موضوع اعتراض به صلاحیت ذاتی یک قاعده قانونی برای اشخاص ذی‌نفع علمی (متخصص) و کارشناس حقوقی باقی است و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

به علاوه اختیار استفاده از وکیل و تأمین هزینه‌های مربوط را شامل می‌شود یافتن چنین راه‌حل‌هایی فقط در داخل دولت‌های مربوطه امکان‌پذیر است یا شاید با همکاری سازمان‌های غیردولتی خارجی صورت گیرد. **(Caron, 1999: 347-349)**

ج- تبعیت از مکانیزم‌های بین‌المللی

تجربه نشان داده است که تبعیت از معاهدات بین‌المللی محیط زیست وقتی می‌تواند تضمین شود که تقریباً به طور انحصاری به وسیله تشکیلات زیر پشتیبانی شود: از آن جمله به وسیله یک دبیرخانه و یک کنفرانس اعضا یا تشکیلات و ترتیبات دیگر، در حقیقت افزایش معاهدات بین‌المللی محیط زیست بر افزایش نهادهای بین‌المللی و تبعیت از مکانیزم آن‌ها دلالت دارد. در دهه ۱۹۷۰ معاهدات جدید با سیستم معاهده‌ای، همچون اغلب سیستم‌های معاهده‌ای تسهیل کننده در خصوص حفاظت از محیط زیست دریایی در برابر آلودگی (مانند دریای مدیترانه، دریای احمر، دریای کارائیب) از سوی یک نهاد موجود بین‌المللی مثل یونپ تهیه و تقویت شده‌اند. سیستم‌های معاهده‌ای جدیدتر اغلب نهادهای خود را با قبول مکانیزمی برابر ابداع می‌کنند. به طور معمول، تطبیق و ایجاد و کاربرد موسسات مختلف مشابه، مکانیزمی را ابداع می‌کند که به موجب آن می‌توان به حل مشکلی همراه با پیشرفت روزافزون معاهدات زیست محیطی کمک کرد. **(Brown, 2014:301)**

گفتار چهارم: چالش‌های سیاسی زیست محیطی

برخورد با معضلات زیست محیطی و تدوین قواعد و برنامه‌های مناسب و مقتضی برای مهار این معضلات در سطح جهانی با چالش‌های سیاسی نیز مواجه است. به این معنا که تصمیم‌سازی‌ها و مصوباتی که در مراجع و نهادهای بین‌المللی جهت مقابله با بحران‌های زیست محیطی انجام می‌گیرد در مرحله‌ی اجرا با چالش‌ها و موانع سیاسی برخورد می‌کنند که از جمله مهمترین این چالش‌ها عبارتند از:

الف- موضوع مستندات علمی

مراجع بین‌المللی زیست محیطی، برای جلوگیری از وخیم‌تر شدن وضع و غیرقابل جبران شدن معضلات زیست محیطی، تأکید بر اقداماتی سریع و موثر دارند ولی در موارد متعددی دولت‌ها به بهانه نبود مدارک و دلایل علمی کافی و لازم در این خصوص مقاومت می‌کنند. مثال مناسب در این خصوص، مذاکرات دو کشور آمریکا و کانادا در مورد باران اسیدی می‌باشد و عدم توانایی آن‌ها در حل مشکل مزبور، بیشتر به سکوت، بی‌تحرکی و عدم اقدام شبیه است. در سال ۱۹۸۰ دو کشور، یادداشت تفاهمی جهت مذاکره دربارهٔ یک موافقت‌نامه دو جانبه برای مبارزه با آلودگی‌های جوی مرزگذر و انجام اقدامات موقتی (تأمینی) برای چنین هدفی، امضا کردند ولی علیرغم قول و قرارهای مقدماتی، مذاکرات به زودی متوقف گردید. **(Basler, 1998: 234)** علیرغم اصرار آمریکا برای تدوین و تصویب یک موافقت‌نامه و

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

اجرایی کردن آن در این خصوص، دولت کانادا اظهار نمود که هنوز دلائل علمی لازم در دست نیست و بنابراین دانشمندان در حال تحقیقات علمی بیشتری هستند. چنین استدلال می‌کرد که صرف منابع محدود سرمایه‌گذاری به منظور تحقیقات علمی به مراتب بهتر از پذیرش مقررات پرخرجی خواهد بود که ممکن است مشکل مورد نظر را همچنان لاینحل باقی گذارد. از این‌رو کانادا در سال ۱۹۸۳ مخارج لازم جهت تحقیقات در مورد باران اسیدی را دو برابر کرد. اما نه انجام اقدامات موقتی را پذیرفت و نه با آمریکا به توافقی دست یافت. **(Smith, 1988: 173)** در چنین مواردی غالباً دولت‌ها با این امید که تحقیقات علمی بیشتر مشکل عدم اطمینان علمی را برطرف خواهد کرد به سوی تعویق مذاکرات سوق داده می‌شوند. همچنین در مواقعی تحقیقات علمی، طیف وسیعی از هزینه‌های مهار معضلات زیست محیطی را برآورد می‌کنند، باز دولت‌ها از انجام مذاکره و رسیدن به توافق ابا می‌نمایند. **(Ibid: 207)**

از طرفی هرچند ممکن است که سازمان‌های بین‌المللی و سازمان‌های غیردولتی تحقیقات علمی مثبت بیشتری انجام دهند، امّا آن‌ها نیز از آثار و عواقب سیاست دولت‌ها ایمن نیستند و ممکن است به لحاظ دیدگاهها و اهداف خاص خود، مانع انجام مذاکرات گردند. به فرض، در خلال مذاکرات مربوط به اصلاحیه ۱۹۸۹«کنوانسیون مربوط به تجارت بین‌المللی گونه‌هایی از گیاهان و وحوش که نسل آن‌ها در معرض انقراض هستند» به عنوان مثال ویژگی‌های سازش‌ناپذیری، نظریه‌پردازی و اظهارات غالباً تند و تیز در خصوص منافع مورد نظر انجمن آمریکایی ترحم و شفقت و حفاظت بین‌المللی عملیات وحش، سازش و کار با سایر اعضا را دچار مشکل ساخت. مشکل مشابه دیگر در این راستا، در خلال مذاکرات مربوط به معاهدات منطقه قطب جنوب بروز کرد. آن‌گونه که یک محقق بیان داشته است: «مقامات رسمی و دولتی در یک حالت کمابیش خشم و رنجش دائمی نسبت به طرفداران محیط زیست هستند و این به آن علت است که این مقامات غالباً از گروه‌های مزبور ویژگی‌هایی را نظیر مطلق‌گرایی، عدم تمایل یا عدم توانایی نسبت به درک واقعیات مربوط به سیاست بین‌المللی و نیز روند خاص مذاکره‌ی فی‌مابین دولت‌های حاکم، مشاهده می‌کنند» بنابراین، اگر چنین سازمان‌هایی مایل به کسب موفقیت هستند باید تحقیقاتشان مستقل، قابل اعتماد و دست یافتنی باشد. **(Gillroy, 2006: 124)**

ب- موضوع حاکمیت ملی

حاکمیت ملی یکی از کهن‌ترین، اصول حقوق بین‌الملل عمومی است. بدین معنا که یک دولت در قلمرو خود دارای صلاحیت انحصاری است، به عبارت دیگر دولت تنها قدرتی است که می‌تواند قواعد حقوقی الزام‌آوری را در قلمرویش به تصویب برساند و به وسیله‌ی قوه مجریه (مقامات عالی اجرایی و پلیس) آن را به اجرا درآورد و همچنین حق قضاوت به وسیله دادگاه‌های موجود در محدوده قلمرو خود را مطابق قوانین تصویبی دارد. (کیس، ۱۳۸۴: ۷۰)

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

نتیجه حاصل از مفهوم قدرت منحصر به فرد دولت‌ها بر قلمرو سرزمینی‌شان این است که هیچ قدرت عمومی دیگری، خواه دولت دیگری باشد و خواه سازمانی بین‌الدولی، حق مداخله در قلمرو صلاحیت انحصاری وی را ندارد. در این رابطه بند ۷ ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد اعلام می‌کند که: «هیچ یک از مقررات مندرج در این منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌دارند که در اموری که ذاتاً جزو صلاحیت داخلی کشورهاست دخالت کنند و اعضا را ملزم نمی‌کند که چنین موضوعاتی را برای حل و فصل، تابع مقررات این منشور قرار دهند».

البته مشابه مقررات مذکور اصل قابل اجرایی در موضوعات محیط زیست وجود دارد که به طور صریح در اصل ۲۱ اعلامیه استکهلم شکل یافته است که می‌گوید: «دولت‌ها طبق منشور ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل دارای حق حاکمیت بهره‌برداری از منابع طبیعی خود مطابق سیاست‌های زیست محیطی خود می‌باشند...».

در اسناد مختلف بین‌المللی اعم از الزام‌آور یا غیرالزام‌آور موارد مشابه قواعد فوق تکرار شده است. اصل ۲ اعلامیه ریو برخی عبارات را به ویژه در حوزه‌ی گسترده‌تری از جمله در سیاست‌های زیست محیطی، و سیاست‌های محیط زیست و توسعه، عیناً مورد استفاده قرار داده است. این عبارات براساس موضوع کنفرانس ریو نه تنها روی محیط زیست بلکه روی توسعه متمرکز شده است. **(Caron, 1999: 178)**

در هر حال اصل حاکمیت ملی، موجب شده است که دولت‌ها در تصویب و اجرایی کردن برخی از معاهدات بین‌المللی مرتبط با محیط زیست مقاومت بکنند و در واقع تعارض میان تعهدات بین‌المللی و اصل استقلال و حاکمیت ملی یک چالش جدی در جهان امروز می‌باشد.

ج- موضوع منافع ملی

امروزه برای حاکمان و دولتمردان، ارتقاء سطح رفاه عمومی و تسریع رشد و توسعه اقتصادی و تجاری و بهبود روند صنعتی شدن کشور از اولویت‌های مهم محسوب می‌شود. افزایش پرشتاب جمعیت در کشورهایی چون هند و برزیل و فشار روزافزون بر منابع محدود طبیعی برای تأمین نیازهای اساسی آنان، دولت‌ها را بر آن داشته که برخی از الزامات زیست محیطی را نادیده بگیرند. در جهان امروز تسریع روند صنعتی شدن کشور و بالا بردن سطح تولید و تجارت و درآمد ملی از افتخارات و امتیازات حکومت‌ها به شمار می‌رود و در این عرصه، رقابت‌ها جهانی شده است. بنابراین هر دولتی کوشش می‌کند که در این میدان عقب نماند و گوی سبقت را از سایر رقبا برباید. بنابراین اگر تحقق آمال مزبور در تعارض با الزامات زیست محیطی قرار بگیرد، مسلم آنچه که فدا خواهد شد ضرورت‌های زیست محیطی است. (پارسا، ۱۳۹۲: ۳۴)

تحقیقات نشان می‌دهد که حدود شصت درصد آلودگی‌ها و تخریب محیط زیست، ناشی از فعالیت‌های صنعتی و عمرانی کشورهای آمریکا، برزیل، هند و چین می‌باشد و این کشورها نیز بنا به ملاحظات

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

اقتصادی، حاضر به همکاری و مشارکت با نهادهای بین‌المللی در خصوص کاهش آلودگی‌ها و تخریب‌ها نیستند. برزیل به عنوان بزرگترین و پرجمعیت‌ترین کشور آمریکای لاتین، برای تأمین نیازهای غذایی جمعیت بالغ بر سیصد میلیون نفری خود و بهبود سطح رشد و توسعه اقتصادی کشور، بسیاری از الزامات زیست محیطی را نقض کرده است. به عنوان مثال، برداشت بی‌رویه از درختان جنگل‌های آمازون و تخریب درختان برای اقدامات عمرانی چون راه‌سازی، گسترش سطح کشت مزارع، شهرک‌سازی و امثال آن‌ها و از طرفی مجاز کردن تأسیس موسسات تولیدی به شدت آلاینده با سوخت‌های فسیلی چون زغال سنگ، سلامتی محیط زیست را به شدت دچار مخاطره نموده است. آمریکا برای همکاری بیشتر با مجامع بین‌المللی زیست محیطی، حدود دو سال پیش طی موافقت نامه پاریس بخش اعظم کارخانه‌های استخراج زغال‌سنگ را تعطیل نمود ولی از سال قبل دوباره این موسسات فعال شدند. بهانه مقامات آمریکایی ایجاد اشتغال چهارصد هزار نفری و عقب نماندن از رقبای اقتصادی جهانی از جمله چین و اتحادیه اروپا بود. کشور هند در چند دهه اخیر برای تأمین ملزومات اولیه جمعیت یک میلیارد و دویست و پنجاه میلیون نفری خود، محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های تأسیس موسسات تولیدی آلاینده را تقریباً حذف کرده است و چین نیز برای تبدیل شدن به قطب اقتصادی دنیا، الزامات زیست محیطی و مهار آسیب‌ها و معضلات زیست محیطی را از اولویت‌های خود حذف کرده است. موضوع ریزگردها در کشورهای حاشیه خلیج فارس به یک معضل جدی تبدیل شده است که برای مهار آن نیاز به همکاری منطقه‌ای و هزینه‌های مالی و فنی هنگفتی دارد ولی کشورهای منطقه هنوز در این خصوص اقدامات جدی را انجام نداده‌اند. مخلص کلام آنکه به نظر می‌رسد هنوز برای کشورها و تصمیم‌سازان دولتی، اهداف و خواسته‌های اقتصادی مهمتر از ضرورت‌های زیست محیطی است و هر وقت این دو موضوع در تعارض بوده‌اند، آنچه که فدا شده است، مهار مشکلات زیست محیطی بوده است. **(Cario, 2006: 241)**

نتیجه‌گیری

با اینکه مهار و مقابله با آسیب‌های زیست محیطی بسیار حیاتی است و تعلل در آن ممکن است در اغلب موارد غیرقابل جبران باشد، ولی با این همه نهادها و مجامع جهانی در این خصوص هنوز با چالش‌های جدی چندوجهی و چند لایه‌ای مواجه هستند از جمله می‌توان به چالش‌های حقوقی و سیاسی در این ارتباط اشاره نمود.

در خصوص چالش‌های حقوقی باید گفت که از روزی که مصلحان و طرفداران محیط زیست و نهادهای بین‌المللی متوجه عمق بحران‌ها و معضلات زیست محیطی شده‌اند به فکر چاره‌اندیشی موثر و ریشه‌ای افتادند و در این راستا به تدوین و تصویب مقررات و قواعد الزام‌آوری دست یازیدند که آغاز این تمایل به اوایل دهه ۱۹۷۰ برمی‌گردد ولی قبل از آن نیز چندین سند منطقه‌ای و محدود تدوین شده بود که الهام‌بخش اقدامات بعدی گردیدند که از جمله آن می‌توان به کنوانسیون ۱۹۳۳ لندن راجع به حفاظت از

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

جانوران و گیاهان در حال انقراض و احداث پارک‌های طبیعی و کنوانسیون ۱۹۴۰ واشنگتن راجع به حفاظت طبیعت حیات وحش در نیمکره غربی اشاره نمود. ولی اقدامات جامع و جهان شمول در این خصوص از کنفرانس استکهلم در سال ۱۹۷۲ آغاز شد، که علاوه بر صدور اعلامیه، از نتایج مهم این کنفرانس، تهیه طرح عملیاتی محیط زیست در ۱۰۹ توصیه‌نامه در موضوعات مختلف در حوزه زیست محیطی می‌باشد. مورد دیگر کنفرانس ریو در سال ۱۹۹۲ می‌باشد که با حضور نمایندگان ۱۷۲ کشور و شش سازمان بین‌الدولی تشکیل شد و در آن پنج سند مهم زیست محیطی صادر گردید. اقدام بعدی کنفرانس ریو +۲۰ به سال ۲۰۱۲ بود که از دستاوردهای مهم این کنفرانس تصویب منشور جامع توسعه پایدار در شش فصل و ۳۸۲ بند است. ولی آنچه که در خصوص این کنوانسیون‌ها مهم است اجرایی نمودن الزامات و توصیه‌های مندرج در آن است و اگر دولت‌ها خود در این خصوص اراده و جدیت لازم را نداشته باشند مسلما جامعه بین‌المللی نخواهد توانست اقدامی در این خصوص انجام بدهد. البته برای اجرایی شدن کنوانسیون‌های مزبور حقوق‌انان توصیه‌های زیر را ابراز می‌دارند:

۱- پذیرش قواعد مناسب و فراهم کردن روش‌های مذاکره در چارچوب یک معاهده.

۲- مکانیزم‌هایی برای تقویت اجرای مقررات داخلی.

۳- تبعیت از مکانیزم‌های بین‌المللی.

البته معضلات زیست محیطی با چالش‌های سیاسی نیز مواجه می‌باشد از جمله آن‌ها می‌تواند به توسل دولت‌ها به مستندات علمی، موضوع حاکمیت ملی و موضوع منافع ملی اشاره نمود که بحث مبسوط آن‌ها در پیش آمده است.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

فهرست منابع و مآخذ

۱- می ری، دلماس مارتی، (۱۳۸۱)، نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین نجفی ابرند آبادی، تهران، میزان.

۲- مشهدی، علی، (۱۳۹۳)، اندیشه‌های حقوق محیط زیست، قم، انتشارات دانشگاه قم.

۳- موسوی، فضل‌الله، (۱۳۸۰)، حقوق بین‌الملل محیط زیست، تهران، میزان.

۴- فهیمی، عزیزالله، (۱۳۹۱)، مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در فقه و حقوق ایران، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۵- یونسکو، (۱۹۸۸)، برنامه یونسکو در رابطه بشر و بیوسفر، ترجمه حسن بیگی‌زاده، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.

۶- کیس، الکساندر، (۱۳۸۴)، حقوق محیط زیست، ترجمه محمدحسن حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۷- بهرام سلطانی، کامبیز، (۱۳۷۱)، مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی- محیط زیست، جلد ششم، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران.

۸- رابینسون، نیکلاس، (۱۳۹۰)، مبانی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست، ترجمه سید محمدمهدی حسینی، تهران، میزان.

۹- بوتکین، دانیل، (۱۳۸۲)، شناخت محیط زیست، ترجمه عبدالحسن وهاب‌زاده، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.

۱۰- گوندلینگ، لوتار و دیگران، (۱۳۹۲)، حقوق محیط زیست، ترجمه محمدحسن حبیبی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

۱۱- پالمرتز، مارک، (۱۳۸۸)، آیین‌مند نمودن حقوق محیط زیست، ترجمه علی مشهدی، تهران، مجله حقوقی داور، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۲.

۱۲- تقی‌زاده انصاری، مصطفی، (۱۳۸۵)، حقوق کیفری محیط زیست، تهران، قومس.

۱۳- پارسا، علی‌رضا، (۱۳۹۲)، محیط زیست و حقوق بشر، تهران، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۳۵-۲۳۶.

14- Brown, weiss, (2014), International Environmental law, New York, Georgetown law Journal.

15- Sands, p (1995), Principles of International Environment law, Oxford, Oxford university press.

16- Kiss, A., (2013). The Common Heritage of Mankind utopia or reality, London, International law Journal press.

17- Werksman, J., (1996). The Conference of Paris Environmental Treaties, London, Greening International Institutions.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

18- Caron, D.D. (1999), Governance and Collective Legitimation in the New World order, London, Hague yearbook of International law, vol. 6.
19- Basler, K., (1998). The concept of the common Heritage of Mankind in International law, Netherland, Martinus Nijhoff publishers.
20- Smith, B. D, (1988), State Responsibility and the Marine Environment, Oxford, Oxford university press.
21- Gillory, J. M., (2006), Adjudication Norms, Dispute Settlement Regimes and International Tribunals, Stanford Journal of International law.
22- Cario, A., (2006), International Environmental law, Reports, London, Cambridge university press, vol. 1

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-11-19]